



## جامعه ناشنویان ایران، تحولات تا دستیابی به مدنیت

محمد نوری

### چکیده

تا کنون از منظر جامعه شناختی کمتر به جامعه ناشنویان پرداخته شده است؛ با اینکه شناخت این جامعه موجب برنامه‌ریزی و تدبیر بهتر خواهد شد. بسیاری از دانشگاه‌های استان‌ها و شهرستان‌ها در ایران رشته جامعه‌شناسی با گرایش‌های مختلف دارند اما چرا به اینگونه موضوعات حیاتی و بومی کمتر بها می‌دهند، پرسشی است که استادان و مدیران دانشگاه‌ها باید پاسخگو باشند. این مقاله به بررسی تحولات تاریخی و گذر از مراحل نخست شکل‌گیری و چگونگی پشت سر گذاشتن موانع به دستاوردهای ناشنویان در دوره مدرن می‌پردازد. بالاخره رهبران و نخبگان ناشنویان با تلاش‌های طاقت فرسا توانستند موانع را پشت سر گذاشته و به رفاه و مدنیت نسبی دست یابند. اما مجدداً موانعی مثل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مشکلات فراوانی در مسیر رشد فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرد. با این حال پس از فراز و نشیب‌های بسیار، هم اکنون در بعضی جنبه‌ها رشد و ترقی داشته و در جنبه‌هایی هم وضعیت مطلوب ندارد. نویسنده مقاله تلاش کرده همه ابعاد این جامعه را بررسی و چهره واقعی آن را نشان دهد.

این جمعیت اقلیت بزرگی را تشکیل می‌دهد و از جمعیت همه جریان‌ها بیشتر است.

این جمعیت اگر رسیدگی شود و به شیوه‌های صحیح تعلیم و تربیت در مراحل مختلف آنها اجرا شود، تبدیل به یک جریان کارآمد اجتماعی، جمعیت خلاق و کارآفرین می‌گردد. از این‌رو از دوره مشروطیت، انظار متوجه آنها شد و تلاش برای اصلاح امور آنها را بخشی از ترقی و پیشرفت فرض کردند. این مقاله درصد است سیر پیشرفت جامعه ناشنویان را در ایران تجزیه و تحلیل نماید.

### گذار از مراحل تاریخی

جامعه ناشنویان ایران در دوره اخیر، سیر چهار مرحله‌ای داشته است: مرحله اول دوره آشنایی با پیشرفت‌ها و بیدار شدن و توجه یافتن به عقب ماندگی معلولان به ویژه ناشنویان است. غرب و روسیه چند قرن زودتر فعالیت در امور فرهنگی، آموزشی و اجتماعی معلولان را آغاز کرده بود. کسانی که به عنوان بازرگان یا گردشگر یا مأمور سیاسی به روسیه، کشورهای اروپایی و حتی ترکیه می‌رفتند، مدارس ناشنویان و نابینایان را می‌دیدند و سواد دار شدن آنها را با چشم ملاحظه می‌کردند، وقتی به ایران می‌آمدند، خبر این تحولات را می‌گفتند و این اخبار منتشر می‌شد و جامعه ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد. مرحله دوم با تلاش‌های مرحوم جبار باغچه‌بان و دیگر تلاشگران پیرو او آغاز شد. در این مرحله، فرهنگ عمومی ناشنویان ارتقا و تکامل یافت و ناشنویان از بی‌سوادی رهایی یافتند. نتایج این مرحله اولاً تأسیس مدارس ویژه آموزش ناشنویان یا به قول آن دوره،

همواره درصدی از جمعیت جوامع دارای آسیب ناشنوایی و نابینایی بوده‌اند. ناشنوایی نامی است که شامل دو گروه می‌شود یعنی کسانی که نمی‌شنوند و هم شامل افرادی که فاقد قدرت تکلم هستند ولی اصطلاحاً به هر دو ناشنوا می‌گویند، اما در فرهنگ قبلی ایرانی به آنان کر و لال می‌گفتند. هر چند آمار دقیقی از ناشنویان در دست نیست اما مطابق سرشماری سال ۱۳۷۵ پراکندگی ناشنویان در ایران، بین ۳ تا ۴ در هزار نفر است. شمار جمعیت ناشنویان در ایران در ۱۳۸۰ حدود ۲۵۰ هزار نفر برآورد شد. البته با احتساب ناشنویان عارضی، مانند سنگینی گوش یا ناشنوایی صوتی یا موجی این آمار به یک میلیون و پانصد هزار می‌رسد. اما در افواه آمار ناشنویان کنونی ایران را حدود سه میلیون می‌دانند.

یک مسئول در سازمان بهزیستی در دی‌ماه ۱۳۸۳ خبر داد: سالانه در ایران، ۸۰۰۰ کودک دارای اختلالات شنوایی متولد می‌شود.<sup>۱</sup> از این رو، کر و لال‌ها، قشر بزرگ و قابل توجهی از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. آمارهای جهانی نیز نشانه کثرت جمعیت آنان است. مسئولان فدراسیون جهانی ناشنویان، کل جمعیت ناشنویان و سخت‌شنویان را هفتاد میلیون نفر اعلام کرده‌اند. برخی آمارها گویای وجود دوازده میلیون ناشنوا در جهان اسلام است.

اما به رغم کثرت آمار این قشر، اهتمام برای حل مشکلات آموزشی، معیشتی، فردی و اجتماعی آنان همپای رشد جمعیت جلو نرفته است. جمعیت ناشنویان هر گونه محاسبه شود، بیش از یک میلیون نفر است و

۱. روزنامه جام جم، شماره ۱۳۴۱.

امریکایی در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شد و مهم‌تر از آن، *دائرةالمعارف گالودت ناشنوایان و ناشنوایی*<sup>۱</sup> به سر ویراستاری جان وان کلود است که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۷ از سوی انتشاراتی مک گروهیل در امریکا منتشر شد.

دائرةالمعارف‌های ناشنوایی و ناشنواییان دیگری نیز در کشورهای اروپایی منتشر شد، اما همه آنان، بازگوی دیدگاه‌ها و نیازهای غربیان است و نمی‌توانست نیازهای پژوهشی و اطلاعاتی ایرانیان و مسلمانان را تأمین کند. از این‌رو گروهی از پژوهشگران و ناشنوایان نخبه تصمیم گرفتند، دانشنامه ناشنوایان جدید مبتنی بر اقتضات و نیازهای ناشنوایان ایران تألیف و عرضه کنند. این کار به مدیریت آقای محمد نوری اجرایی شد و بالاخره در سال ۱۳۸۷ منتشر شد. و به عنوان نخستین مرجع و اولین دائرةالمعارف ناشنوایی با استقبال مواجه شد. این اثر سه جلدی هرچند ضعف‌های جزئی داشت ولی توانست چرخه اطلاع‌رسانی ناشنوایان را تسریع نماید و ارتباطات ناشنوایان ایران با نهادهای ناشنوایی و شخصیت‌های ناشوا در جهان مدرن را سامان‌دهی و توسعه دهد.

گفتنی است ده‌ها پایگاه اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف، در کشورهای غربی مسائل ناشنوایان را پوشش می‌دهند؛ صدها مرکز آموزشی و پژوهشی و نیز نشریات تخصصی فراوانی درباره ناشنوایان به کار مشغول‌اند، اما متأسفانه در ایران، تلاش‌ها و فعالیت‌ها در این زمینه‌ها بسیار اندک بود. ولی به دلیل پیدایش روحیه امید به آینده و عزم جدی برای تغییر شرایط موجود و ایجاد حیات مطلوب، زمینه‌های تدوین این دائرةالمعارف را ایجاب کرد.

دهه هشتاد شمسی وضعیت عمومی جامعه به گونه‌ای شد که ناشنوایان تلاش کردند به خط مشی مدنیت و اهداف ترقی و پیشرفت بر اساس شاخص‌های عقلانی و خرد جمعی اهتمام داشته و در تحقق آنها بکوشند. اما به تدریج شرایط به گونه دیگر رقم خورد. به تدریج قانون‌گرایی و قانون‌خواهی بر اهداف مدنی غلبه کرد؛ البته قانون و قانون‌گرایی ذاتاً مطلوب است ولی این امر مطلوب تأویل به تشکل‌گرایی رفت. و ناشنوایان مثل دیگر معلولان در نیمه دوم دهه نود و سال‌های نخست آخرین دهه از سده چهاردهم شمسی، برای تشکیل سمن، برگزاری جلسه و گفت و شنود درباره قانون عمرشان سپری شده است. حاصل این فرایند هنوز نامعلوم و در افق‌ها مبهم است. زیرا در این دو دهه مبحث قانون جامع معلولان و تصویب آن توسط نهاد قانونگذار و مشروعیت بخشیدن به آن، گفتمان غالب بوده است. روش تعامل ناشنوایان و دیگر معلولان ایران با این گفتمان، تأمل برانگیز است. با مطرح شدن مجدد «قانون معلولان» پس از روی کار آمدن دولت یازدهم به ریاست آقای حسن روحانی و در دستور کار قرار گرفتن قانون معلولان، جلسات و نشست‌های متعدد برای بحث و بررسی این قانون شکل گرفته است. و مطالبات حقوقی و قانون‌خواهی بر دیگر مطالبات مدنی ناشنوایان سایه افکننده است.

#### تلاش‌های نخبگان

معلولین و از جمله ناشنوایان برای رسیدن به وضعیت مطلوب و ایده‌آل باید فرایندی را طی می‌کردند. رهبران این جامعه می‌بایست عقب ماندگی را پشت سر گذاشته و با اجرای پروژه‌هایی مثل سواد دار نمودن آحاد معلولین؛ تأسیس نهادهای مدنی و ده‌ها پروژه کوچک و بزرگ دیگر، آهسته آهسته جامعه معلولان را به هدف ایده‌آل و مطلوب می‌رساندند. البته همه اینها بدون مشارکت خود معلولین امکان‌پذیر نبوده و نیست. جامعه مدنی بر ریگزارهای جامعه غیر متمدن و عقب افتاده شکل می‌گیرد. تولد و زایش مدنیت در هر جامعه و به اصطلاح شکل‌گیری جامعه مدنی دارای فرایندهای پیچیده است. عناصر و عوامل متعدد و متنوع دست به

کر و لال‌ها در هر شهر بود؛ دوم مشغول به کار شدن کسانی که ذاتاً به آموزش ناشنوایان علاقه داشتند و به طور خودجوش در این رشته تبحر پیدا کردند آن هم به شیوه آزمون و خطا. کسانی مثل باغچه‌بان و گلبدی در مراکز تربیت معلم، آموزش ندیده بودند بلکه؛ امکانات اولیه و ابتدایی تجربه پیدا کرده بودند. بالاخره در این دوره کتاب‌های درسی کم حجم و بسیار ابتدایی برای ناشنوایان تألیف و در سطح محدود چاپ می‌شد. با ورود شاگردان باغچه‌بان به مؤسسات آموزش عالی و ادامه تحصیل آنان در رشته‌های تخصصی، مرحله سوم که دستیابی ناشنوایان به فرهنگ تخصصی بود، آغاز شد.

دست‌آورد این مرحله، تألیف آثار به قلم ناشنوایان در رشته‌های گوناگون، از داستان کودکان تا آثار روان‌شناختی و پزشکی بود. خود ناشنوایان در دانش‌های مختلف فعال شدند و آثار مختلف از خود برجای گذاشتند. اما نهادینه شدن مرحله‌های سوادآموزی و تحصیلات عالی، زمینه دیگری را گشود و ضرورت گام نهادن در مرحله چهارم را پیش روی جامعه ناشنوایان نهاد. در این مقطع، جامعه ناشنوایی تعامل با دیگر جوامع ناشنوایی در خارج از کشور را به عنوان یک نیاز احساس نمود؛ و اطلاع‌رسانی در حوزه پیشرفت‌ها و فعالیت‌های خود را ضروری پنداشت و درصدد برآمد تا با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های مدرن، با معرفی خود به جهان، جایگاه مناسب شأن خود را به دست آورد. به همین دلیل به روزنامه‌نگاری و انتشار مجلات تخصصی، تأسیس پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، نشر کتاب‌شناسی و بالاخره تدوین دائرةالمعارف روی آورد. همه اینها در دنیای جدید، آثار مرجع‌اند که برای توسعه تعامل ارتباطات و اطلاع‌رسانی به کار گرفته می‌شوند. ناشنوایان ایران چند سالی است به شدت به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی روی اینترنت، نشریات تخصصی، دائرةالمعارف‌های تخصصی، کتاب‌شناسی‌های موضوعی و امثال اینها احساس نیاز می‌کنند.

دوره چهارم از یک طرف شاهد رشد پروژه‌های کیفی ناشنوایان و از طرف دیگر شاهد رشد جمعیت و افزایش کمیت اجتماعی آنان هستیم. اما فناوری رشد یافته در خدمت جامعه ناشنوایان نیست. از این‌رو رشد جمعیت اقتضات جدید پدید آورده و نیازهای بسیار جدید را مطرح نموده است؛ اما رسیدگی به این نیازها، نهادینه نشده و حتی متولی ندارد. با اینکه در جهان مدرن پیشرفت‌ها و پروژه‌های مدرن را در جهت گره‌گشایی از مشکلات و حل نیازهای جدید سامان‌دهی می‌کنند.

#### فرهنگ و مدنیت

جامعه ناشنوایی برای رسیدن به مدنیت یعنی به ترقی، رفاه، کرامت انسانی، اخلاقیات مطلوب و روابط و مناسبات اجتماعی صحیح، ناچار است نخست فرهنگ این جامعه را بازسازی کند و ارتقا دهد.

جامعه‌ای که از نظر محصولات فرهنگی مثل کتاب فقیر است؛ جامعه‌ای که زیر ساخت‌های فرهنگی آن سست است، جامعه‌ای که شاخص‌های تولید و مصرف کتاب به ویژه کتب مادر و مرجع و فیلم پایین است؛ جامعه‌ای که شاخص کتاب خوانی آن ضعیف است، نمی‌تواند ادعای مدنیت و رفاه داشته باشد.

جهان پیشرفته در چند دهه اخیر، پس از رشد علمی ناشنوایان و دستیابی آنان به مدارج بالای علوم و تحصیلات عالی دانشگاهی و در پی آن، نیاز آنان به کتاب‌های مرجع، مانند فرهنگنامه‌ها، آثار مرجعی را تدوین کرده و در اختیار ناشنوایان گذاشته است. البته پژوهشگران غیرناشنوایی که در این زمینه کار می‌کنند نیز به دلیل نیازهای علمی خود، روند پژوهش و تألیف در مرجع‌شناسی ناشنوایان را تسریع کرده‌اند. از این رو چند دائرةالمعارف درباره ناشنوایی در غرب تألیف شده است که از آن جمله است:

*دائرةالمعارف ناشنوایی و اختلال‌های شنیداری*<sup>۱</sup> که به همت دو پژوهشگر

1. Gallaudet Encyclopedia of Deaf People and Deafness

1. The Encyclopedia of Deafness and Hearing Disorders

دست هم می‌دهد تا جامعه مدنی ساخته و پرداخته شود. در واقع معمارانی مثل باغچه‌بان و گلبیدی درصدد بودند جامعه‌ای باسواد، پیشرفته، مرفه و آگاه از ناشنوایان بسازند، جامعه مدنی دقیقاً به همین معنا است.

شناخت اهم عناصر جامعه مدنی ناشنوایان و چگونگی تحولات هر عصر تا رسیدن به آن نقطه. عناصری مثل قانون، مدرسه، آموزش، ارتباطات و رسانه هر کدام در تعامل با دیگر بخش‌های مدینیت، گوشه‌ای از جامعه مدنی را سامان‌دهی می‌کند. پس از سال‌ها و نیز پس از تلاش‌های فراوان بالاخره جامعه مدنی ناشنوایان در دهه چهل متولد شد. و شروع به ارتقا و گسترش و تکامل نمود. البته هنوز ناشنوایان ایران از جامعه مدنی نسبتاً قابل قبول برخوردار نیستند و تا رسیدن به جامعه ایده‌آل راه بسیار است.

از زمان امیرکبیر و مشخصاً از مشروطیت، ایرانیان با نهادها و مؤسسات جدید در عرصه آموزش و پرورش، زمینه‌های بازسازی نظام آموزشی ایران آشنا شدند. پیدایش این زمینه‌ها در حوزه ناشنوایی هم مؤثر بود و گاه نظریاتی بیان می‌شد. اما پیشینه آموزش و پرورش کودکان ناشنوا در ایران، به طور رسمی به اولین دهه ۱۳۰۰ بازمی‌گردد. در این زمان، جبار باغچه‌بان مدرسه ناشنوایان را به عنوان نخستین مرکز آموزشی ناشنوایان در ایران بنیان‌گذاری کرد. نام ذبیح بهروز (۱۳۵۰-۱۳۶۹) را در مورد آغاز آموزش به ناشنوایان و به ویژه انتشار مطالبی درباره ناشنوایان، نباید فراموش کرد. در اینکه کدام یک از این دو، در زمینه آموزش و پرورش ناشنوایان، کار را آغاز کردند، اختلاف نظر وجود دارد. ذبیح بهروز، اولین متفکر ایرانی بود که در این زمینه، سال‌ها تحقیق کرد و مطالبی علمی درباره آموزش ناشنوایان، منتشر کرد. مسلم است مطالب بهروز، اولین مطالب مکتوب در این باره است و نشان می‌دهد که وی، سال‌ها در زمینه آموزش ناشنوایان، مشغول بوده و تحقیقات و تجربیاتی کسب کرده است. حتی نامبرده، چندین ناشنوا را به طور خصوصی، برای کسب تجربه به آموزش گرفته است. بهروز، در آن زمان، در توجیه فعالیت‌های خود، یادآور شده که در ایران، حدود چهل هزار ناشنوا وجود دارد و اینان، مشکلات پرشماری دارند که ایجاب می‌کند افرادی به پژوهش و مطالعه درباره آنها بپردازند.

گرچه باغچه‌بان، نخستین مدرسه ناشنوایان را بنیان گذارد، ولی ذبیح بهروز نیز، نخستین کسی است که مطالبی را درباره ناشنوایان و شیوه آموزش آنان به صورت علمی و مکتوب، ارائه کرده است. شباهت زیادی نیز بین آنچه بهروز نوشته و آنچه در مدرسه باغچه‌بان از نظر آموزش انجام می‌گردد، وجود دارد و این شباهت، در برخی موارد، از جمله استفاده از تصاویر و علائم است. اینها تأثیر یکی را بر دیگری به خوبی آشکار می‌سازد. به هر حال، هر دو در تاریخ آموزش و پرورش ناشنوایان ایران و وضعیت کنونی آن ایران، سهمیم بوده‌اند. اهمیت آنان، در این است که جبار باغچه‌بان، به عنوان بنیان‌گذار نخستین مدرسه ناشنوایان در ایران، در دوره‌ای کار را آغاز کرد که آموزش و پرورش آن روز، وضع قابل قبولی نداشت و بهروز، کار پژوهشی را هنگامی آغاز کرد که تحقیقات این‌گونه‌ای ناشناخته بود.

### نهاد آموزش و پرورش

چند دهه تلاش باغچه‌بان و یاران و شاگردان او، نظام آموزش و پرورش ناشنوایان را پایه‌ریزی کرد و چهل سال پس از ایجاد نخستین مدرسه کر و لال‌ها در ایران، پیشرفت‌ها بسیار مشهود بود. مدارس تبریز، گلبیدی اصفهان، منصوره، نظام مافی و مجتمع آموزشی ناشنوایان نیمروز در تهران، از جمله مدرسی بودند که پس از باغچه‌بان و پیش از ایجاد دفتر برنامه‌ریزی آموزش استثنایی شکل گرفتند. پس از ایجاد مرکز آموزش کودکان ناشنوی نیمروز در ۱۳۴۴ و به دست محمود پاکزاد کوشش‌های گسترده‌ای که در زمینه آموزش ناشنوایان انجام گرفت، وزارت آموزش و پرورش، ایجاد دفتر مستقلی را که مسئول آموزش

دانش‌آموزان استثنایی باشد، حس کرد و پس از تشکیل جلسات متعدد، در ۱۳۴۷، دفتر برنامه‌ریزی آموزش کودکان استثنایی شکل گرفت. دفتر یاد شده، آموزش کودکان ناشنوا و سایر گروه‌های کودکان استثنایی را به دو صورت ایجاد کلاس در مدارس عادی و ایجاد مراکز مستقل آموزشی، آغاز کرد. خوشبختانه، وجود مراکز آموزشی ناشنوایان نیمروز در زمان تشکیل دفتر مزبور و بهره‌گیری از تجارب ارزنده و نیروی انسانی متخصص این مراکز، کار دفتر یاد شده را آسان ساخت و سبب شد که این دفتر با همکاری ادارات آموزش و پرورش، بتواند آموزش و پرورش گروه‌های مختلف استثنایی از جمله ناشنوایان را به بیش از یکصد نقطه کشور، گسترش دهد.

در شهر مشهد نیز اولین کلاس‌های ناشنوایان در دو اطاق انباری اداره کل آموزش و پرورش دایر شد و از آن روز به بعد هر جا برای کلاس درس نامناسب بود و یا اضافی، به کودکان استثنایی منجمله ناشنوایان اختصاص می‌یافت و گه‌گاه که فضایی مناسب بر حسب تصادف به کودکان ناشنوا مثل دبیرستان هاجری مقابل هتل هما واگذار می‌شد به محض نیاز مدارس عادی، این مظلومان، آواره می‌شدند و تا سال ۱۳۶۷ این نگرش که کودکان استثنایی منجمله ناشنوایان باید در محل‌های اضافی و بلااستفاده نگهداری شوند حاکم بود.

دفتر آموزش کودکان استثنایی، تا ۱۳۷۰ به کار خود، ادامه داد و در ۱۳۷۱، بر اساس به ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی به «سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی» تغییر نام یافت. این ماده واحده و تبصره‌های آن، اختیارات گسترده‌ای به این سازمان داد.

حدود چهل سال پیش در تهران، تنها یک مرکز آموزش اطفال کر و لال، و در سایر نقاط کشور هم دو مؤسسه آموزش از این دست وجود داشت. امروز، این قبیل مؤسسات، هر چند نسبت به تعداد فعلی ناشنوایان ناکافی است، تقریباً در سرتاسر کشور، وجود دارد.

در گذشته جامعه با آموزش ویژه ناشنوایان آشنایی نداشت. اما در دهه‌های اخیر به کمک رسانه‌های عمومی، مردم توجه شده‌اند؛ آگاهی و اعتقاد به مسائل و ابعاد آموزش و پرورش ناشنوایان همگانی شده است. لزوم آموزش پیش‌دستانی کودکان ناشنوا شناخته‌نمود؛ اما امروز از لحاظ نظری، لزوم و اهمیت آموزش پیش‌دستانی کودکان ناشنوا، مورد قبول است و در عمل، دو سازمان دولتی، یعنی سازمان آموزش و پرورش استثنایی و سازمان بهزیستی، متصدی ساماندهی آموزش پیش‌دستانی شده‌اند.

پیش از تأسیس این نهادها، آموزش کودکان ناشنوا، تابع نظر و سلیقه شخصی مدیریت مراکز آموزشی بود، اما امروز نظام آموزشی با اصول و روش‌های ویژه نهادینه شده است و تصمیم‌گیری‌ها در صلاحیت یک شورای دولتی به نام شورای عالی سازمان آموزش و پرورش استثنایی به ریاست وزیر آموزش و پرورش است.

در نظام آموزشی جدید، والدین نقش مهمی دارند و باید توجه شوند تا برقراری ارتباط کودکان را با استفاده از گفتار و لب‌خوانی و اشارات طبیعی آسان کنند. توسعه مؤسسات آموزشی به ویژه دوره پیش‌دستانی برای کودکان ناشنوا در همه نقاط دور و نزدیک و حتی در روستاها بخشی از راه‌کار برای نهادینه‌سازی نظام آموزشی نوین است.

آموزش کودکان ناشنوا، از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید به آن پرداخت. کودک ناشنوا با طی آموزش در خانه و مراکز پیش‌دستانی تا پایان دوره راهنمایی قادر می‌شود برای گذراندن امور عادی زندگی خود، از گفتار نسبتاً واضح و قابل فهم و یا لابل سواد خواندن و نوشتن مناسبی استفاده کند. برای تأمین این هدف، این برنامه‌ها از سوی مراکز ناشنوایی در چند سال اخیر، مورد توجه قرار گرفته است: اصطلاح تلفظ و گفتاردرمانی ارزان در مورد کودکانی که استعداد و



سازمان رفاه و بهزیستی در سال‌های گذشته و تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در سال‌های اخیر، امروز، این دو سازمان به موجب قانون، مسئول همه امور ناشنوایان شده‌اند.

استفاده از سمعک به عنوان ابزار ضروری برای برخی از ناشنوایان در گذشته معمول نبود یا قدرت مالی خرید آن را نداشتند، ولی با تأمین بودجه توسط این سازمان‌ها سمعک‌های نسبتاً قوی‌تر و پیشرفته‌تر، در اختیار بسیاری از ناشنوایان گذاشته شد و آنها می‌توانند صداها را بشنوند.

بعضی از کارشناسان مسائل ناشنوایان برای رفع معضلات یا کاستن از حجم مشکلات کنونی، توصیه کرده‌اند: همه نوزادان، سنجش شنوایی شوند. حتی والدین با آموزش مختصری بتوانند با وسایل عادی تشخیص دهند نوزادانی که به صدا واکنش نشان نمی‌دهد، تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرند تا درمان شوند یا از ابتدا برخورد مناسبی با آنها بشود. به نظر می‌رسد با تأمین یک دستگاه پیشرفته سنجش شنوایی نوزاد در مرکز هر استان، شناسایی کودکان ناشنوا در زمان نزدیک به تولد آنها در تمام سطح کشور، ممکن شود.<sup>۱</sup>

#### رسانه‌ها

یکی از فعالیت‌ها که در دهه‌های اخیر همواره رو به رشد بوده است، تخصیص ساعاتی از رسانه‌های دیداری - شنیداری همگانی به ناشنوایان است. رادیو و تلویزیون مهم‌ترین آنها است. اما رادیو به دلیل ماهیت صوتی آن نمی‌تواند مورد استفاده همه ناشنوایان قرار گیرد. ولی تلویزیون با تلاش‌های خود ناشنوایان و مؤسسه‌های ناشنوایی رشد خوبی در این زمینه داشته است. در بخش‌های خبر، گزارش، فیلم و سریال زبان اشاره و زیرنویس بیشتر و گسترش یافته، از این رو، استفاده ناشنوایان از این رسانه افزون‌تر شده است.

در تلویزیون سال‌هاست که در روزهای جمعه، برنامه اخبار برای ناشنوایان با اشاره، اجرا می‌شود و افزون بر این، چند سال است که مستمراً بعضی برنامه‌های تلویزیونی را یک اشاره‌گر برای ناشنوایان ترجمه می‌کند. با این همه، حق ناشنوایان در استفاده از اشاره، کاملاً رعایت نشده و بهبود کیفیت و زندگی ناشنوایان توسعه استفاده از اشاره را ایجاب می‌کند.

در عرصه روزنامه‌نگاری، اولین نشریه ناشنوایی به دست باغچه‌بان منتشر شد، هم اکنون مجله سکوت به دست ناشنوایان مشهدی منتشر می‌شود. مجله تعلیم و تربیت استثنایی هم مقالات و گزارش‌هایی در زمینه مسائل ناشنوایان دارد.

در عرصه اینترنت، مؤسسه فرجام جام جم درصدد تأسیس پایگاه اینترنتی

توان گفتار قابل توجهی دارند؛ آموزش خواندن و فهمیدن و نوشتن زبان فارسی؛ تهیه کتب آموزش زبان فارسی مثل یک زبان بیگانه در حدود امور جاری زندگی روزانه؛ تهیه یک فرهنگ لغت فارسی با اعراب و تصویر.

غیر از آموزش، ناشنوایان، نیاز به پرورش نیز دارند. از این رو، برنامه‌هایی برای کمک به تأمین سلامت روحی و جسمی، تقویت شخصیت و اعتماد به نفس و ارتقای فرهنگی آنها در نظر گرفته شده است. اجرای برنامه‌های بازدید از مراکز مهم صنعتی یا محل‌های طبیعی، نیز گردش و ورزش ناشنوایان، به عنوان روش‌های پرورشی مطرح شده است.

در شرایط کنونی ایران، اولویت با اصلاح توسعه متون درسی و به کارگیری شیوه‌های جدید تربیتی با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته است.

#### ارتباطات

در گذشته تنها راه ارتباط ناشنوایان، روبه‌رو شدن با آنان و مشاهده اشارات طبیعی و شنیدن صداها نامفهوم آنان بود. ولی امروز، شمار ناشنوایان با گفتار نسبتاً واضح و قابل فهم، قابل توجه است و افزون بر این، ناشنوایان به آسانی می‌توانند با بهره‌گیری از دستگاه دورنگار با هر نقطه از جهان، ارتباط کتبی داشته باشند. دیگر وسایل و روش‌های جدید به کمک ناشنوایان آمده تا آنها ارتباطات خود را به آسانی انجام دهند.

دیدگاه‌های عمومی این بود که ناشنوایان، موجودات نگون‌بختی‌اند که در بدترین حالت، مورد تمسخر، و در بهترین حالت، مورد ترحم دیگران باید قرار گیرند؛ اما با توجه عمومی، دیدگاه مردم عوض شد و امروزه شخصیت و حقوق انسانی آنها پذیرفته و محترم شمرده می‌شود. خود ناشنوایان، با تحصیلات دانشگاهی و کسب موفقیت در رشته‌ها و مشاغل مختلف ثابت کرده‌اند که می‌توانند با بهره‌گیری از استعداد‌های خود و آموزش مناسب، عناصر مفیدی برای اجتماع باشند.

تمام این پیشرفت‌ها مدیون مساعدت فرهنگی مردم، و کوشش و تلاش مداوم اشخاص علاقه‌مند و مسئولانی است که بعضاً از این دنیا رفته‌اند و بعضاً در بازنشستگی به سر می‌برند و یا هنوز، اشتغال دارند.

با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز ناشنوایان و مراکز ناشنوایی درصدد رسیدن به وضعیت بهتراند و گاه در رسانه‌ها مشکلات، نارسایی‌ها، نیازها و خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند، تا با نقد حال، به پیشرفت‌های بیشتر برای آینده دست یابند.

غیر از روابط اجتماعی معلولان در داخل کشور، روابط با خارج از کشور هم شکل گرفت و فعال شد. از سال ۱۳۳۷ فصل جدیدی در سرنوشت ناشنوایان ایران گشوده شد، زیرا جمعیت حمایت کودکان کر و لال که مرجع رسیدگی به امور ناشنوایان بود در سال ۱۳۳۷ عضو کنگره جهانی ناشنوایان شد و هر ساله در نشست‌های آن کنگره شرکت می‌کرد. پیامد آن، آشنایی بیشتر با جهان مدرن بود. ناشنوایان ایران در دو دهه اخیر گام‌های بلندی در عرصه‌های جهانی برداشتند و با جدیت فرصت‌ها و امکانات موجود جهانی را شناسایی و از آنها بهره گرفته‌اند. مثلاً در عرصه ورزش، ناشنوایان، در سال‌های اخیر، اقدامات مؤثر و ارزنده‌ای انجام داده‌اند. تشکیل المپیک مخصوص ورزش‌های ناشنوایان در عرصه بین‌المللی، و ایجاد فدراسیون ورزش‌های ناشنوایان در داخل کشور، از جمله اقدامات مؤثر قرن در امر ورزش ناشنوایان ایران است. تیم‌ها و گروه‌های ورزشی آنان در داخل در رشته‌های مختلف ورزشی توسعه یافته و در خارج هم به موفقیت‌های چشمگیر دست یافته‌اند. در حوزه پژوهش و آموزش نیز به مدارج عالی دست یافته‌اند.

#### تأمین اجتماعی

چند دهه گذشته، جامعه و دولت، در زمینه آموزش و رفاه بهزیستی ناشنوایان و سایر معلولان، برای خود، مسئولیتی قائل نبود. با تأسیس

۱. دانشنامه ناشنوایان، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۰.



و بانک اطلاعات ناشنویان در این پایگاه است.

### مؤسسه‌ها و نهادها

رشد و توسعه امور ناشنویان در ایران مقارن با تأسیس نهادها و مراکز ناشنوایی بوده است. این مؤسسه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. دولتی و خصوصی. مراکز غیردولتی را افراد نیکوکار برای اهداف غیرانتفاعی تشکیل داده‌اند. این مراکز دارای کارنامه‌های حجیمی از کارهای خدماتی و آموزشی و ... برای ناشنویان ایران‌اند.

کانون ناشنویان ایران، یکی از نخستین مؤسساتی است که در جهت امور رفاهی و اجتماعی ناشنویان قدم برداشت. این کانون در ۱۳۳۹، به همت خود ناشنویان ایجاد گردید و حمایت از تمام ناشنویان را در تمام مراحل، به عهده گرفته است. از آنجا که همه اعضای اصلی و همچنین هیئت مدیره این کانون (غیر از دبیر کل) را ناشنویان تشکیل می‌دهند، یکی از مؤسسات کم‌نظیر، نه تنها در ایران، بلکه در جهان است.

جمعیت حمایت از کودکان کر و لال، دیگر مؤسسه‌ای بود که برای خدمت به ناشنویان به وجود آمد. این جمعیت، گرچه نام کلی حمایت از کودکان کر و لال را بر خود نهاده بود؛ ولی منحصراً کمک مالی به مدرسه خاصی را انجام می‌داد و امروزه فعالیتی ندارد.

سازمان ملی رفاه ناشنویان ایران نیز، از جمله مؤسسات رفاهی بود که در ۱۳۵۰، برای انجام دادن امور رفاهی و کارایی ناشنویان، ایجاد گردید. فعالیت این سازمان که در آغاز، زیر نظر وزارت بهداشتی و بهزیستی انجام می‌گرفت، بعدها با ایجاد سازمان بهزیستی کشور، که وظیفه کمک به تمام کسان استثنایی را به عهده داشت، در سازمان بهزیستی ادغام گردید.

نهادهای ناشنوایی، در سال‌های اخیر با کارشناسی‌ها به طرح‌ها و تدبیرهایی رسیده و اجرا کرده‌اند. برخی از این اصول که در سال‌های اخیر، جدی گرفته شده عبارت‌اند از: پذیرش ناشنوایی و آمادگی مقابله با مشکلات؛ پرهیز از شرم به دلیل ناشنوا بودن؛ مشروعیت ارتباط کامل، یعنی استفاده از همه وسایل تفهیم و تفاهم؛ الزام به تلاش و کوشش شخصی برای کسب توانایی بیشتر و زندگی بهتر؛ اتکا به خداوند با امید و اطمینان به نتایج حاصل از پیشرفت‌های علمی. این نهادها، طرح‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های خود را مبتنی بر اصول فقه به انجام می‌رسانند.

### حقوق اساسی و اجتماعی

با شکل‌گیری نظام حقوقی در ایران در دوره جدید، قوانینی هم مربوط به ناشنویان تصویب شده است. این حقوق، به اختصار این گونه است:

در عرضه حقوق اساسی، این قوانین تصویب شده است: با توجه به بند چهارده اصل سوم و اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشنویان مانند سایر افراد ملت، در برابر قانون، برابرند، در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ یک از اصول قانون اساسی، ناشنویان را از حقوق اساسی مقرر برای سایر افراد ملت، محروم نکرده است. اما در برخورداری عملی ناشنویان از حقوق اساسی، سه مورد مهم زیر، قابل توجه است:

### حق برخورداری از آموزش ویژه:

چون ناشنوایی مانع آموزش کودکان ناشنوا از راه عادی است، برای تأمین آموزش کودکان ناشنوا و ایجاد فرصت برابر برای استفاده آنها از حق آموزش، ماده واحده قانون عادی تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی مصوب ۲۱ آذر ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی می‌گوید که با توجه به اهمیت و ویژگی‌های توانبخشی، آموزش و پرورش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، اعم از نابینایان، نیمه‌بینایان، ناشنویان، نیمه‌شنواییان و...، تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی را مقرر داشته و اساسنامه این سازمان، در ۲۹ مرداد ۱۳۷۰ به تصویب کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای

اسلامی رسیده است و با توجه به مجموع مقررات یاد شده، آموزش ویژه کودکان ناشنوا در مدارس مخصوص ناشنویان و یا در کلاس‌های مخصوص ناشنویان در مدارس عادی، حق مسلم کودکان ناشنواست.

### حق برخورداری از آموزش عالی:

با وجود اینکه چند سال است شمار قابل توجهی از جوانان ناشنوا به مؤسسات آموزش عالی راه یافته و دانش‌آموخته شده‌اند و یا به تحصیل در این مؤسسات، اشتغال دارند، ولی در نظر گرفتن مشکلات این قبیل دانشجویان در رقابت و مسابقه ورودی با دانشجویان شنوا و نیز در دوره آموزش عالی، جا دارد که برای تأمین فرصت علمی آموزش آنان در برابری با دانشجویان شنوا در ورود به مؤسسات عالی آموزش، برای داوطلبان ناشنوا، سهمیه‌ای مقرر گردد و برای برخورداری از این سهمیه، مسابقه ورودی بین ناشنویان باشد و افزون بر این، آموزش دانشجویان ناشنوا در کلاس‌های خاص و یا یک مؤسسه خاص یا قسمت خاصی از مؤسسات موجود، متمرکز شود که مشکل ارتباطی آنها در استفاده از دروس استادان با استفاده از تعداد کمی رابط زبان اشاره، مقدور گردد.

### حق اشتغال و استخدام:

تبصره یک قانون الزام دولت، برای استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان، مصوب سوم بهمن ۱۳۶۴ است. در قانون دیگری فرصت اشتغال معلولان از جمله ناشنویان با سایر افراد ملت در نظر گرفته شده و یک سهمیه سه درصدی برای تأمین پرسنل مورد نیاز مؤسسات دولتی را به معلولان، اختصاص داده است. ولی در مورد اجرای این قانون، هیچ اطلاع و آماري منتشر نشده است و به نظر می‌رسد آیین‌نامه اجرایی این قانون، نیازمند تجدیدنظر باشد. برای تأمین فرصت اشتغال ناشنویان در بخش خصوصی هم هیچ تمهیدی وجود ندارد.

### حق تشکیل جمعیت:

ناشنویان با تشکیل کانون‌های خاص خود در نقاط مختلف کشور، از حق تشکیل سازمان (موضوع اصل بیست و ششم قانون اساسی) برخوردارند.

### حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای اسلامی:

به موجب بند شش ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب هفتم آذر ۱۳۷۸، نابینایی و ناشنوایی و ناگویایی، مانع ثبت‌نام برای انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. بعضی حقوقدانان به دفاع از ناشنویان برخاسته و نوشته‌اند: اگر نابینا یا ناشنوایی واجد شرایط مورد اعتماد اکثریت رأی‌دهندگان یک حوزه انتخابیه باشد، نابینا با کمک یک منشی، و ناشنوا با کمک یک رابط زبان اشاره، خواهد توانست وظایف نمایندگی خود را انجام دهد و اگر با وجود این امکان، نمایندگی آنها برای انتخاب‌کنندگان رضایت‌بخش نباشد، به آنها رأی نخواهد داد. بنابراین نادیده گرفتن این حق اساسی ناشنویان و نابینایان، لزومی نداشته است؛ زیرا به موجب شرط سه ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاب‌کنندگان باید عاقل باشند.

در عرصه حقوق مدنی، این موارد مهم، تصویب شده است: به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی، اهلیت برای دارا بودن حقوق، با متولد شدن انسان، شروع و با مرگ او تمام می‌شود و طبق ماده ۹۵۷ قانون مدنی، حمل مدنی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر اینکه برای این امر، اهلیت قانونی داشته باشد.

طبق ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، اشخاص محجور (یعنی: صغار، اشخاص غیر رشید و مجانبین) از تصرف در اموال و حقوق مالی خود، ممنوع هستند و به مستفاد از مجموعه مواد یاد شده، مسلم است که ناشنویان هم از تمام حقوق مدنی، متمتع‌اند و هم اهلیت اجرای حقوق خود را دارند و از جمله، از حقوق مدنی ذیل برخوردار:

حق انواع علاقه به املاک و اموال، حق انعقاد قرارداد خصوصی، حق انواع عقود و معاملات و ایقاعات، حق وراثت، حق انتخاب همسر و ازدواج، حق ولایت و حضانت، حق داشتن حساب بانکی، حق امضا و ثبت سند رسمی.

### حق گرفتن گواهینامه رانندگی:

ناشنوایانی واجد شرایط، حق دارند گواهینامه رانندگی بگیرند و با مشخص کردن وسیله نقلیه خود با آرم مخصوص ناشنوایان، رانندگی کنند.

### حق استفاده از زبان اشاره:

در تاریخ قانونگذاری کشور ما برای اولین بار مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون مدنی، اشاره را به عنوان وسیله تفهیم و تفاهم، به رسمیت شناخته است. مواد یاد شده که جزء جلد اول قانون مدنی در تاریخ ۱۳۰۷ توسط مجلس قانون گذاری وقت، به تصویب رسیده به شرح زیر است: ماده ۱۹۲ قانون مدنی: «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد، اشاره که مبین قصد و رضا باشد، کافی خواهد بود».

ماده ۱۹۴ قانون مدنی: «الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن، انشای معامله می‌نمایند، باید موافق باشد، به نحوی که احد طرفین، همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر، قصد انشای آن را داشته است؛ والا معامله باطل خواهد بود»، و بعد از مواد یاد شده به موجب ماده ۶۴ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ در تنظیم و ثبت اسناد اشاره به عنوان وسیله تفهیم و تفاهم، مورد قبول و تأکید قرار گرفت.

ماده ۶۴ یاد شده که تاکنون به قوت خود باقی است، به این شرح است: «در صورتی که طرفین معامله و یا یکی از آنها، کور یا کر و گنگ، بی‌سواد باشند، علاوه بر معرفی هر یک از اشخاص یاد شده باید به معیت خود، یک نفر از معتمدین خود را حاضر نماید. معتمد مزبور. در مورد اشخاص کر و گنگ، باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند به آنها به اشاره، مطلب بفهماند...».

استفاده از رابط زبان اشاره، در مواردی که شاکلی یا متهم، ناشنوا باشند، در مراجع انتظامی و قضایی به عنوان یک اصل، مقبول و معمول است. بر اساس همین حق است که تلویزیون، در سال‌های اخیر برنامه‌هایی برای ناشنوایان با اشاره، پخش می‌کند.

### منابع

باغچه‌بان، ثمینه، بهره ناشنوایان، تهران، امیرکبیر، بی‌تا؛ بهروز، ذبیح، «خط و فرهنگ»، ویژه‌نامه نشریه ایران‌کودک، ش ۸، پاکزاد، محمود، هیاهو در دنیای سکوت، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵، ص ۳۸-۳۵؛ تعلیم و تربیت استثنایی، شماره‌های مختلف؛ شکست سکوت، ش ۳۰۲ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۴۰؛ ش ۲۶ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۲۹-۲۸؛ فصلنامه کانون ناشنوایان ایران، شماره‌های مختلف؛ روزنامه جام جم، شماره ۱۳۴۱؛ حقوق معلولان ایران، علی نوری، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴؛ دانشنامه ناشنوایان، محمد نوری، تهران، فرجام جام جم، ۱۳۷۸.

Best, Harry, *The Deafness and Deaf in the U. S. A.*, Macmilan com, 1943; Cleve, John (Ed), *Gallaudet Encyclopedia of Deaf People and Deafness*; Turkington, Carel; Allen E. suss man, *The Encyclopedia of Deafness and Hearing Disorders*

## تصویرسازی و خیال‌روشدلان

فاطمه صادقی تبار

اگر لحظاتی چشمان جستجوگر خویش را ببندیم و بخواهیم کاری را بدون حس ارزشمند بینایی انجام دهیم آن زمان است که با دنیایی بی‌نور و تصویر آشنا می‌شویم. «فرد نابینا کسی است که در فرایند رشد و تحول زیستی - شناختی و فردی- اجتماعی خود از نور و تجربه دیدن محروم می‌باشد»<sup>۱</sup>

نابینایان برای دریافت اطلاعات از محیط اطرافشان و ادامه حیات ناگزیرند حواس دیگر خود را جایگزین حس بینایی کنند و تصویرسازی ذهنی از اشیاء و محیط اطرافشان داشته باشند. «تصویر سازی ذهنی در انسان امری فطری است و هر انسان خواه بینا، خواه نابینا می‌تواند تصویر ذهنی درستی از اصوات و اشیاء داشته باشد. در کودکان نابینا اکتشافهای شنیداری می‌تواند جای خالی اکتشاف های دیداری را پر کند»<sup>۲</sup>.

سازگار شدن نابینایان با محیط اطراف ارتباط مستقیمی با سن بروز نابینایی دارد؛ نابینایان را بر اساس سن وقوع نابینایی به دو دسته تقسیم می‌کنند «دسته نخست کودکانی که پیش از سنین ۶-۵ سالگی نابینایی خود را از دست می‌دهند این کودکان از نظر توانایی‌هایی کلی همانند کودکانی هستند که دچار نابینایی مادرزادی هستند زیرا که در چند سال نخست زندگی از تجربیات و حافظه دیداری چندان بهره‌ای کسب نکرده‌اند، در نتیجه فاقد تصویر سازی ذهنی بینایی هستند و یا از کمترین حافظه دیداری برخوردارند. و دسته دوم افرادی که پیشتر بینا بوده‌اند و به عللی پس از ۶ سالگی از بینایی محروم شده‌اند آنها از محیط اطراف شناخت عینی دارند»<sup>۳</sup>. کسانی که بعد از هفت سالگی نابینا

۱. غلامعلی افروز، بررسی تحلیلی مبانی روان شناختی ویژگی‌های شناختی و شخصیتی جوانان نابینا و ناشنوا، نشریه احیاء کودکان استثنایی، شماره ۲، بهار ۱۳۸۲.

۲. سمیه سادات ساداتی، تصویر سازی ذهنی نابینایان، تعلیم و تربیت استثنایی، ۸۰ و ۸۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۷.

۳. همان.